پشت‌بوم

رفراندوم هنری

حسین عبدالهاشم‌پور

● شاید عجیب به نظر برسد اما واقعا معتقدم ایران بیش از همیشه به یک «رفراندوم هنری» هم نیاز دارد: چنددرصد مردم موسیقی می‌خواهند؟ چنددرصد دوست دارند ساز را در تلویزیون ببینند؟ چنددرصد مخالف کنسرت‌اند؟ چنددرصد اعتقاد دارند خط‌قرمزها برای تولید فیلم و تئاتر و کتاب عریض و پررنگ است؟ و... . ضرورت مراجعه به آرای اقشار مختلف مردم از این‌روست که گویا دلواپسان محترم پس از دلواپسی برای مذاکرات هسته‌ای، دربست دلواپس فرهنگ و هنر کشورند! حتی مدت‌هاست پا را از نظریه‌پردازی فراتر گذاشته، وارد مرحله اجرایی و عملیاتی شده‌اند؛ باور نمی‌کنید، اخبار روزانه دلواپسانه را رصد فرمایید: از تلاش‌های نافرجام و بافرجام سازمان‌یافته برای جلوگیری از کنسرت‌ها گرفته تا دخالت آشکار در لغو اکران فیلم‌ها، تحدید فضای نشر کتاب و حملات دامنه‌دار رسانه‌ای به تئاتر و... خلاصه اینکه اتاق فرمان دلواپسان در عرصه هنر، تمام‌قد ایستاده تا مبادا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روزی را بدون بحران سپری کند. راستش از همین گفت‌وشنودهای میدانی هم چنین برمی‌آید که مردم، بنیان‌های این حجم دلواپسی را در وادی هنر درک نمی‌کنند؛ واقعا چرا رویدادی که دولت برآمده از آرای ملت مجوز می‌دهد و کاملا وفق قانون است، جمعی حداقلی، همه کار و زندگی خود را بر زمین می‌گذارند و آستین همت برای لغوش بالا می‌زنند؟ گاهی حتی به‌جد یا شوخی هنرمندان می‌پرسند نکند شغل حضرات، همین دلواپسی است؟! این‌همه در حالی است که اکثریت جامعه هنرمندان و هنردوستان بارهاوبارها از سیاست‌های کلی و راهبردهای کلان وزارت فرهنگ، حمایت کرده و اگر نقدی هم هست بر صبوری‌هایی است که در مشکلات از خود بروز می‌دهد؛ جالب‌تر اینکه این پشتیبانی‌ها در روزگاری است که جیب دولت برخلاف دهه‌ای که گذشت خالی است و انبان وزارت فرهنگ، خالی‌تر از همیشه... . راستش با وجود شرحی که رفت، چنین برمی‌آید که صدای دلواپسان محترم بیشتر شنیده می‌شود و دروغ چرا، گاهی قدرتشان بیشتر هم می‌چربد. اینجاست که مبحث «رفراندوم‌هنری» به ذهن خطور می‌کند؛ آیا می‌توان پیشنهاد رییس‌جمهور محترم در این خصوص را به موضوع و سوالی تعمیم داد که تثبیت جایگاه هنر و هنرمند و نیز امنیت‌خاطر جامعه هنردوست را همراه آورد؟

یادداشت روز

امروز کنسرت دیگر چه معنایی دارد؟

علی مغازه‌ای

چندروز پیش درحالی‌که در پایتخت اخبار و تبلیغات کنسرت‌ها و برنامه‌های موسیقی کم نیست خبری در صفحات مجازی دیدم که نظرم را جلب کرد؛ خبر برگزاری کنسرتی در اصفهان توسط گروه آزاد که گویا در بخش جنبی جشنواره «استاد شهناز» در جریان بود. چندی‌پیش هم با شوان توکل گفت‌وگویی کردم که او هم همراه یک گروه پنج‌نفره شبانه‌روز درگیر تدارک کنسرتی یک‌روزه در فرهنگسرای ارسباران‌اند. به‌مناسبت ارتباط و آشنایی‌ام با هردو این گروه‌ها متوجه چند نکته شدم که مرا به این تحلیل رساند که گویا هدف، ایجاد مانع است تا چنانچه به‌هر نحو این موانع کارگر نشد، اجرا یا کنسرتی نحیف و رنجور حاصل شود. حال در ارتباط با این دو کنسرت نکاتی کوتاه عرض می‌کنم. نخست موضوع کنسرت گروه پلتان به آهنگسازی و سرپرستی شوان توکل. این گروه در تدارک اجرای برنامه‌ای بودند در حوزه موسیقی حماسی که با انتخاب اشعاری در کارگاه موسیقی حماسی خراسان و موسیقی سنتی نتیجه آن تلفیق موسیقایی دو حوزه فرهنگی باشد. ماه‌ها تلاش و پیگیری این گروه که زمینه‌ای چندساله را در پس خود نهفته داشته به آنجا می‌رسد که قرار بر این می‌شود که این گروه در بیست‌وششم دی‌ماه سال۹۳ در فرهنگسرای ارسباران وقت برگزاری کنسرت بگیرد. اما این شروع رویارویی پلتان بود با موانع و مشکلات خاص خود. شوان در آن گفت‌وگو می‌گفت ما برای گرفتن مجوز یک شب اجرا مجبور بودیم دومیلیون‌تومان برای انتظامات جلسه پول بدهیم. مبلغی نزدیک به‌همین هم باید بابت اجاره سالن بپردازیم. برای فیلمبرداری هم در خوش‌بینانه‌ترین حالت بین سه‌تاچهارمیلیون‌تومان هم باید داشته باشیم. هزینه‌های چاپ پوستر و بلیت و تبلیغات هم که خود داستانی دیگر است. مقداری هم به یکی از سایت‌های فروش بلیت باید بپردازیم. حال در نظر بگیرید یک شب کنسرت چه درآمدی می‌تواند داشته باشد که یک گروه بعد از پشت‌سرگذاشتن تمرین‌های سنگین و هزینه‌بر روی صحنه می‌برد. حال آیا رواست یک گروه برای یک کنسرت باید برای یک شب اجرا چنین مبلغ سنگینی را بپردازد! موضوع‌دوم بحثی عجیب‌تر است که مربوط‌به گروه آزاد است. نبیل یوسف‌شریداوی، چندروز پیش در پیامی به آشنایان نوشت: «من نبیل یوسف‌شریداوی هستم. متاسفانه ارشاد از امروز ساعت ۱۲ظهر به ما اجازه تبلیغات داده یعنی تنها دوروز قبل از کنسرت و ما نتوانستیم تا این لحظه هیچ تبلیغی بکنیم. خواهشمندم از این کنسرت با اطلاع‌رسانی و تبلیغ حمایت کنید.» با دیدن پیام نبیل یوسف‌شریداوی یاد انتخابات ریاست‌جمهوری یا سایر انتخابات‌ها افتادم که نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری تنها چندروز مانده به انتخابات می‌توانند تبلیغاتشان را آغاز کنند و این کار از ۲۴ساعت مانده به انتخابات باید متوقف شود.

«گلدن‌گلوب» برندگانش را شناخت

سایه «شارلی‌ابدو» برسر «گوی طلایی»

عکس: AP

امیر محقق: کشتار در پاریس، مراسم پایانی گلدن‌گلوب را هم تحت‌تاثیر خود قرار داد. مطبوعات خارجی هالیوود نیز بهترین‌های سال را انتخاب و به برگزیدگان گوی‌طلایی اهدا کردند. هفتادودومین مراسم جوایز اتحادیه مطبوعات خارجی هالیوود، موسوم به گلدن‌گلوب، صبح دیروز، ۱۱ژانویه در هتل بورلی هیلتون برگزار شد و جایزه بهترین فیلم سال را به درام «پسربچگی» دادند. این فیلم داستان زندگی یک‌پسربچه را در بازه‌ای ۱۲ساله روایت می‌کند که طبق گفته کارگردان آن، فیلمبرداری آن ۱۰سال طول کشیده و شخصیت نقش اول فیلم به‌طور واقعی رشد می‌کند. این فیلم علاوه‌بر جایزه بهترین فیلم درام، جایزه بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر مکمل زن را نیز به‌ترتیب برای ریچارد لینکلیتر و پاتریشیا آرکت به دست آورد. فیلم «هتل بزرگ بوداپست» هم عنوان بهترین فیلم موزیکال-کمدی را تصاحب کرد.

گلدن‌گلوب امسال که امی پوهلر و تینا فی اجرای آن را برعهده داشتند، به‌شدت تحت‌تاثیر کشتار اخیر در نشریه «شارلی ابدو» بود و بسیاری از بازیگران روی لباسشان آرم این هفته‌نامه را حک کرده بودند. پلاکاردهایی نیز در حمایت از کشته‌شدگان این حادثه در دست هنرمندان در هتل بورلی هیلتون دیده می‌شد. حتی بازیگرانی همچون جرج کلونی، کتی بیتس و خارد لتو در دفاع از قربانیان این کشتار، در سخنرانی‌هایشان این اقدام را محکوم کردند و عبارت نمادین «من شارلی هستم» به‌دفعات از زبان این بازیگران و حضار دیگر شنیده شد. علاوه‌بر آن، ماجرای هک‌شدن سونی هم در حاشیه مراسم خودنمایی می‌کرد و در زمان‌های مختلف مراسم، اشاراتی به آن می‌شد. حتی مجریان مراسم یک بازیگر کره‌ای که لباس ارتش کره‌شمالی را به تن داشت روی صحنه آوردند و لحظاتی این مساله را دستمایه شوخی قرار دادند.

اما از دیگر نکات قابل‌اعتنای مراسم، اعطای جایزه افتخاری سیسیل ب.دومیل به پاس یک عمر فعالیت هنری به جرج کلونی بود. این جایزه از سال۱۹۵۲ به این‌سو به بزرگان باسابقه عرصه سینما و تلویزیون اهدا می‌شود. تاکنون هنرمندانی همچون والت دیزنی، کرک داگلاس، فرانک سیناترا، آلفرد هیچکاک، پل نیومن، الیزابت تیلور، کلینت ایستوود، رابرت ردفورد، سوفیا لورن، آل پاچینو، جک نیکلسون، استیون اسپیلبرگ، مارتین اسکورسیزی، رابرت دونیرو، مورگان فریمن و جودی فاستر، موفق به دریافت این جایزه شده‌اند. کلونی که روی کت تاکسیدویش دکمه‌ای با حروف «من شارلی هستم» به نشانه همبستگی با کارمندان کشته‌شده مجله شارلی‌ابدو نصب کرده بود، سخنرانی خود را با یک شوخی درباره هک‌شدن کمپانی سونی شروع کرد. او گفت: «عده زیادی نه‌تنها در پاریس بلکه در سراسر جهان راهپیمایی کردند و آنها مسیحی و یهودی و مسلمان بودند. آنها برای این راهپیمایی کردند که بگویند ما با ترس راه نمی‌رویم. این کار را نخواهیم کرد. او حرفش را با این جمله تمام کرد: من شارلی هستم. ممنونم.» اما امسال در بخش بازیگری، ادی ردماین برای بازی در نقش پروفسور هاوکینگ در فیلم «تئوری همه‌چیز» گلدن‌گلوب بهترین بازیگر مرد درام را از آن خود کرد. جولین مور هم بالاخره توانست به‌خاطر بازی حسی قوی‌اش در فیلم «Still Alice» بهترین بازیگر زن درام شود.

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، مایکل کیتون بهترین بازیگر مرد در شاخه موزیکال- کمدی شد و در اقدامی غیرمنتظره جایزه بهترین بازیگر زن موزیکال- کمدی به امی آدامز برای فیلم «چشمان‌بزرگ» رسید. گفته می‌شود «چشمان‌بزرگ» که تیم برتون آن را ساخته، جزو آثاری است که چندان منتقدان را راضی نکرده و در گذر زمان به دست فراموشی سپرده می‌شود. جی‌کی‌سیمونس هم برای فیلم «ضربه» بهترین بازیگر مکمل مرد در فیلم‌های موزیکال- کمدی شد. اما جایزه بهترین فیلمنامه در بهت همگان به آلخاندرو اینااریتو برای فیلم «مرد پرنده‌ای» رسید. این فیلم با اینکه از بازی‌ها و کارگردانی فوق‌العاده‌ای بهره می‌برد اما به‌زعم منتقدان در فیلمنامه کاستی‌هایی دارد. «لویاتان» از روسیه هم همچون اکثر جوایز معتبر، بهترین فیلم خارجی‌زبان شد.

بین انیمیشن‌ها، نسخه دوم از کارتون «چطور اژدهای خود را پرورش بدهید» بالاتر از رقبای خود ایستاد. در شاخه موسیقی هم یوهان یوهانسون برای فیلم «تئوری همه‌چیز»، مجسمه طلایی بهترین موسیقی متن را با خود به خانه برد.

از فیلم‌هایی که نسبت به آنها بی‌توجهی شد می‌توان به فیلم «بازی تقلید» اشاره کرد که با وجود پنج‌نامزدی در شاخه‌های مختلف و امید زیاد برای کسب جایزه توسط بندیکت کامبربچ برای بازی در آن، دست‌خالی مراسم دیشب را ترک کرد. فیلم تحسین‌شده «سلما» هم که امیدهای زیادی برای آن وجود داشت، تنها توانست جایزه فرعی بهترین آهنگ فیلم را به‌دست آورد و در شاخه‌های اصلی بی‌نصیب ماند.

گلدن‌گلوب، یکی از معتبرترین جوایز سینمایی است که از سال۱۹۴۴ تاکنون، هرساله قبل از معرفی برگزیدگان اسکار، برگزار شده و از بهترین‌های تلویزیون و سینما تقدیر می‌کند.

واکنش کارتونیست‌ها به کشتار در پاریس

نه به آن راضی هستیم؛ نه به این

شرق کشتار چهارکارتونیست در دفتر مجله «شارلی‌ابدو» در پاریس، واکنش هنرمندان زیادی را در سراسر دنیا به‌همراه داشته. برخی از آنها دست‌به‌قلم شده‌اند و با کشیدن کاریکاتور، ضمن محکوم‌کردن این فاجعه، ترس و اضطراب خود بعد از این اتفاق را ابراز کرده‌اند. با این‌حال کارتونیست‌های ایرانی ضمن نکوهش این کشتار، معتقدند حرکت کارتونیست‌های این مجله در توهین به مقدسات به‌هیچ‌وجه قابل‌دفاع نیست. بهمن عبدی، در گفت‌وگو با ایسنا چنین به این موضوع واکنش نشان داد: «من از شنیدن خبر ترور چهارکاریکاتوریست بسیار غمگین شدم. گرچه آن کاریکاتوریست‌ها به اعتقادات ما هم توهین کرده بودند و تصویر ناشایستی از بزرگان دین ما کشیده بودند، ولی ما نه به آن و نه به این راضی نیستیم.»اخیرا در شهر بروکسل بلژیک نمایشگاهی دایر شده که هنرمندان کاریکاتورهای خود را با محوریت این کشتار به نمایش گذاشته‌اند. مداد و کلاشنیکف، دو نماد اصلی است که در بخش عمده‌ای از کارتون‌ها به شیوه‌های مختلف به کار گرفته شده و کارتونیست‌ها تلاش کرده‌اند برتری قلم را در جنگ با سلاح به تصویر بکشند و تاوان آنچه را که در پاریس رخ داد برای عاملان چنین جنایتی افزایش دهند. دیوید پوپ، از کاریکاتوریست‌های مطرح استرالیا کاریکاتوری کشیده که در آن فرد مسلحی بالای سر یک‌جسد ایستاده و می‌گوید: «او اول کشید.» پوپ ادامه می‌دهد: «افرادی که چنین حملاتی را انجام می‌دهند، نمی‌توانند موفق شوند و شکست‌خورده هستند.»این حمله که مشخص شده از سوی گروه القاعده صورت گرفته، موجی از ترس در بین هنرمندان این حوزه به‌وجود آورده است. دیلم (Dilem)، مطرح‌ترین کاریکاتوریست الجزایر نیز اعلام کرده که توسط گروه‌های تروریستی تهدید شده است. او دیگر به دفتر محل کارش در روزنامه نمی‌رود و در خانه کار می‌کند. این کاریکاتوریست در گفت‌وگو با رادیو فرانسه اعلام کرده است: «در کار ما یک‌خطر ذاتی وجود دارد و نمی‌توان با هرچیزی شوخی کرد.»گادو، یکی از مطرح‌ترین کارتونیست‌های سیاسی قاره آفریقا هم در گفت‌وگویی اعلام کرده که طی سال‌های گذشته بارها تهدید به مرگ شده است: «ما باید این اقدام وحشیانه را محکوم و اعلام کنیم که چنین اقداماتی را تاب نمی‌آوریم.»آموس بیدرمن با ملیتی اسراییلی کاریکاتوریست دیگری است که حرف‌های جالبی بر زبان آورده: «تروریست‌ها موفق شده‌اند. آنها ضربه بزرگی به آزادی بیان زدند. حالا هیچ کارتونیست یا انتشاراتی‌ای با دفتر شارلی‌ابدو کار نمی‌کند و همه در این دفتر از ترس می‌لرزند.» جنبشی که از سوی کارتونیست‌ها شکل گرفته، به لطف اینترنت به‌سرعت فراگیر شده و در حال توسعه است.

احضار «تهمینه میلانی» به دادسرا

فرانک آرتا: تهمینه میلانی به‌دلیل انتشار فیلمنامه شهرزاد و زن هزارویک‌شب به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شد. دلیل این احضار، انتشار این فیلمنامه اعلام شده. این کتاب تابستان ۹۳ با مجوز وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی منتشرشده و تمام مراحل قانونی را طی کرده است. علی شجاعی‌صایین، رییس اداره کتاب، ضمن تایید خبر احضار این نویسنده و کارگردان به «شرق» گفت: «در جریان جزییات این احضار نیستم و نمی‌دانم علت فراخوانی ایشان و اتهام وارده چیست.» شجاعی‌صایین در پاسخ به این پرسش که چرا نویسنده کتابی که از وزارت ارشاد برای اثرش مجوز گرفته احضار می‌شود، اضافه کرد: «در این موارد ممکن است مقام محترم قضایی سوابق پرونده را از جمله مجوز صادره برای کتاب مورد بحث از ما بخواهند که ما در این صورت اطلاعات لازم را ارایه خواهیم کرد.

◄ مطلع شدیم که به دادسرای «فرهنگ و رسانه» احضار شدید. آیا این مطلب را تایید می‌کنید؟

بله.

◄ ناشر فیلمنامه «شهرزاد» انتشارات کتابسراست. در این صورت چرا شما فراخوانده شدید، نه ناشر؟

واقعیت این است که این سوال برای آقای سمیعی، ناشر کتاب هم مطرح شده. ایشان هم معتقدند در صورت تخلف به بنده باید اطلاع داده می‌شد. کتاب تمامی مراحل قانونی را برای اخذ مجوز طی کرده است.

◄ آیا به‌نظر شما جایی در این فیلمنامه هست که تبلیغ علیه نظام تلقی شود؟

واقعیت این است وقتی این جمله را شنیدم شوکه شدم چون فیلمنامه‌ام درباره خرد و خردمندی است. فکر می‌کردم مرا به این خاطر تشویق کنند.

◄ تحلیل‌تان از طرح این موضوع چیست؟

من در طول فعالیت حرفه‌ای‌ام همیشه به گفت‌وگو و برقراری دیالوگ معتقد بوده و هستم. این نکته را در فیلم‌هایم هم می‌بینید.

◄ شاهد فعالیت گسترده شما در فضاهای مجازی هستیم، به‌طوری که گاهی اوقات نوشته‌های شما در این فضا منتشر می‌شود. اما اخیرا شاهد حرکت‌های ضداخلاقی هستیم که برخی از نوشته‌ها را به شما منتسب می‌کنند که خودمتن گواه این است که ربطی به دیدگاه شما ندارد؛ ضمن اینکه در برخی سایت‌ها اتهاماتی به شخص شما و خانواده‌تان مطرح شده است. واکنش‌تان به این حرکات چیست؟

واقعیت این است همان‌طور که گفتم حیطه فعالیت من فرهنگ و هنر است و غیر از این هم نمی‌توانم رفتار کنم. اما همان‌طور که گفتید این‌روزها نوشته‌هایی را به من منتسب می‌کنند که روحم از آن خبر ندارد. در حالی که من درباره اشخاص و رفتارشان نظر قطعی نمی‌دهم.

فراخوان طراحی لوگو و هویت بصری برند

یک هلدینگ معتبر فنی و مهندسی، در نظر دارد طراحی لوگو، راهنمای برند و سایر موارد مرتبط با هویت بصری برند خود را به یکی از موسسات صاحب صلاحیت و دارای مجوز، واگذار نماید. بر این اساس، از شرکت‌های دارای شرایط زیر دعوت می شود رزومه کاری و کاتالوگ شرکت خود را حداکثر تا یک هفته پس از انتشار آگهی، به نشانی صندوق پستی درج شده ارسال نمایند:

۱- تجربه انجام کار مشابه برای شرکت‌های هلدینگ (ترجیحا حوزه فنی و مهندسی)

۲- دارای تجربه همکاری با شرکت‌های تحقیقات بازار در امر برندینگ

۳- دارا بودن دفتر در تهران

پس از بررسی سوابق ارسالی، با برگزیدگان تماس گرفته خواهد شد.

نشانی: تهران - صندوق پستی ۸۷۷۷ - ۱۵۸۷۵ (فراخوان طراحی لوگو)

ایمیل برای پاسخ به سئوالات: brand.design1393@gmail.com

هفت جهان

درخشش «ماهی و گربه» در پراگ

● **شرق:** فیلم سینمایی «ماهی و گربه» به کارگردانی شهرام مکری و تهیه‌کنندگی سپهر سیفی به‌عنوان بهترین فیلم بخش داستانی جشنواره فیلم‌های ایرانی پراگ انتخاب شد. «ماهی و گربه» محصول «ایران‌نوین‌فیلم» است که تابه‌حال جوایز متعدد بین‌المللی را به خود اختصاص داده. این فیلم هم‌اکنون در گروه هنر و تجربه به اکران خود ادامه می‌دهد. شهرام مکری، کارگردان فیلم در حال حاضر برای نمایش «ماهی و گربه» در سه‌شهر آمریکا به این کشور سفر کرده است. در بخش فیلم‌های مستند جشنواره فیلم‌های ایرانی پراگ، فیلم «اطراق» به کارگردانی کاوه بختیاری، جایزه بهترین فیلم را گرفت. همچنین در این دوره از جشنواره از مستند «خاطراتی برای تمام فصول» به کارگردانی مصطفی رزاق‌کریمی و «خانه‌ای در مه» به کارگردانی مختار نامدار تقدیر به عمل آمد. جشنواره فیلم‌های ایرانی پراگ از هفتم‌تا ۱۲ژانویه (۱۷تا۲۲دی‌ماه) در پایتخت جمهوری چک برگزار شد و فیلم‌های ایرانی در این جشنواره به رقابت با یکدیگر پرداختند. علی مصفا داوری این جشنواره را در کنار فریبا شومانسمکا، پیتر کلیها و نجوم الغانم برعهده داشت. انتخاب فیلم‌های بخش مستند هم توسط محمدرضا فرزاد و سام کلانتری صورت گرفت.

تماشاخانه

به تدبیر جشنواره تئاتر امید هست؟

گله‌مندی هنرمندان از بازبینی‌ها

● **رضا آشفته:** کمتر از ۱۰روز به آغاز جشنواره سی‌وسوم تئاتر فجر مانده؛ اما با نگاه به فهرست بخش‌های مختلف نمی‌توان چشم امیدی به آن بست. هنوز فهرست بخش بین‌الملل که مهم‌ترین بخش آن است، اعلام نشده و بنابر فهرست آثار ایرانی نمی‌توان به قدر قدرت‌بودن آن اعتراف کرد. شاید دلایلی هم دارد که مانع از تحقق یک دوره متفاوت یا مثبت خواهد شد. در خوشبینانه‌ترین حالتش جشنواره تئاتر در حدواندازه سال‌های پیش خواهد بود که چندان هم نسبت به دوره‌های درخشانش در اواخر دهه۷۰ و اوایل دهه۸۰ خورشیدی از رشدونمو شکوفا و بارزی برخوردار نبوده است. شاید هم مسایلی چون تحریم‌های شدید اقتصادی به‌لحاظ برخورداری از بودجه مناسب و همچنین برقراری تعاملات بین‌المللی و پایین‌آمدن قیمت نفت می‌تواند در بی‌ثباتی و بی‌مقدارشدن جشنواره تئاتر نقش بازی کند، یعنی از اختیار هردبیری هم بیرون است، هرچند دیرآمدن دبیر برای سامان‌یافتن یک برنامه خلاقه نیز تاثیرگذار بوده و رفتن مدیر مرکز هنرهای نمایشی هم حالا به هردلیلی به این نابسامانی سمت‌وسو خواهد داد. انگار پوستر طراحی‌شده به‌دست یارتا یاران، بازیگر و عکاس چندان برای جشنواره سی‌وسوم خوش‌یمن نبود و با اعتراضات بسیار و در عین‌حال منطقی مواجه شد و این خودش پیراهن عثمان شد که همچنان بشود به هربهانه و انگیزه ریزودرشتی کارکرد دبیر جشنواره را با پرسش‌های اساسی‌تر مواجه کرد و این زمانی جمع‌وجور شد که دبیر جشنواره فراخوانی رقابتی برای طراحی پوستر جایگزین را اعلام کرد. در فهرست بخش‌های مختلف نمی‌توان چشم‌انتظار اتفاق ویژه‌ای در بخش تازه‌های تئاتر ایران و نسل نو بود و البته امکان چنین چیزی هست، اما این فهرست‌ها گویا چنین مصداق و نمونه بارزی را نمایان نمی‌کند. اما در بخش مرور و مناطق می‌توان به‌دنبال اتفاقات درخور تامل بود، چون آثار و نام‌های شناسا و خلاقی در آن وجود دارد. در بخش تازه‌های تئاتر ایران فقط یک‌نمایش از تبریز است و بقیه آثار متشکل از ۱۱نمایش تهرانی است و در فهرست نسل نو نیز همین نسبت‌ها وجود دارد، ۱۰نمایش تهرانی و دوکار شهرستانی و این شاید در تحقق آرمان‌های چندین‌ساله که «تئاتر برای همه» نمونه‌ای از شعارهای آن است، هنوز هم جلوه درستی برای استقرار برابری‌ها در تئاتر ایران نیست. اما در این‌باره مسعود دلخواه، یکی از اعضای هیات انتخاب آثار بخش تازه‌های تئاتر ایران، با اشاره به رویکردها و معیارهای انتخاب آثار در این بخش به ایران‌تئاتر گفت: «همراه با دکترقطب‌الدین صادقی و دکتراسماعیل شفیعی، آثار برگزیده این بخش را انتخاب کردیم. در این راستا طبق توافق نظر با این دوستان، کیفیت هنری آثار را موردتوجه خاص قرار دادیم. متن‌ها از قبل تصویب شده بودند؛ بنابراین بر نوآوری، خلاقیت کارگردان، بازی، فضاسازی و طراحی تاکید کردیم. فارغ از محتوا به این مساله توجه داشتیم که تئاتر می‌بینیم. پس سلایق شخصی‌مان را کنار گذاشتیم و تلاش کردیم جوهره هنری نمایش‌ها چه رئالیستی، تجربی و غیررئالیستی را کشف کنیم.»

بخش مرور

از میان ۲۷نمایش برگزیده بخش مرور می‌توان به این نمایش‌ها امیدوارتر بود: «بالاخره این زندگی مال کیه؟» نوشته رایان کلارک و کار اشکان خیل‌نژاد از تهران، «نمایش خانه‌واده» نوشته و کار سیدمحمد مساوات از تهران، نمایش «خرمگس» نوشته و کار علی عابدی از تهران، نمایش «دیده‌بانان» نوشته پیرروبر لوکلرک و کار محمدرضا خاکی از تهران، نمایش «رقصی برای بازگشت عروس» نوشته تریفه کریمیان و کار فاتح بادپروا از مریوان، نمایش «صورت‌به‌صورت» نوشته سیاوش طهمورث و کار محمدرضا درند از کرمانشاه، «مرگ فروشنده» نوشته آرتور میلر و کار نادر برهانی‌مرند از تهران، نمایش «ملاقات بانوی سالخورده» براساس نمایشنامه فردریش دورنمات و کار هادی حجازی‌فر از تهران، نمایش «من» کار فرهاد تجویدی از تهران و نمایش «هم‌هوایی» کار افسانه ماهیان از تهران.

نظارت آثار و گله‌مندی هنرمندان

در طول چندروز گذشته برخی از گروه‌های نمایشی نسبت به بازبینی نظارتی و اعمال برخی ممیزی‌ها به آثارشان در فاصله چندروز مانده به آغاز جشنواره گله‌مند بودند. در حالی‌که آثار جشنواره تئاتر فجر از سوی هیات انتخاب مورد بازبینی با معیارهای تئاتری قرار گرفته‌اند، روند دیگری از نظارت از سوی شورای نظارت و ارزشیابی نیز صورت می‌گیرد. رضا دادویی رییس شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی درباره بازبینی نظارتی که این‌روزها گروه‌های شرکت‌کننده در جشنواره تئاتر فجر با آن روبه‌رو می‌شوند، به مهر گفت: حضور برخی گروه‌های نمایشی در جشنواره تئاتر فجر منوط به بازبینی مجدد بوده که در حال حاضر این بازبینی برای تایید نهایی این نمایش‌ها در حال انجام است.